

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهر روز سورن  
۰۵ جنوری ۲۰۱۸

## پرچم سرکوب معترضان در دست اصلاح طلبان



عباس عبدی که تا کنون پشت نقاب اصلاح طلبی نیت شوم خود را پنهان می کرد، وظیفه توجیه و تئوریزه کردن کشتار مردم بی دفاع و عاصی در خیابان ها را به عهده می گیرد و در گفتگویی با روزنامه های حکومتی ضمن اغتشاشگر نامیدن معترضان خواستار باز تولید جنایات رژیم همانند سال ۱۳۶۰ می شود همان جنایاتی که نهادهایی

از جنس حکومتی با نام دانشجویان اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، انجمن های اسلامی ادارات و کارخانه ها و نهادهای آموزشی و ... وظیفه لو دادن، بازداشت و شکنجه و در مقیاسی بالا بازجویی و کارکرد قضائی ضد انسانی رژیم را به عهده داشتند

\*\*\*\*\*

هر چه دامنه اعتراضات خیابانی گسترده تر می شود چهره حقیقی رهبران شناخته شده اصلاح طلب عریانتر می گردد. این افراد نظیر عباس عبدی، محمد خاتمی، صادق زیباکلام، حمیدرضا جلائی پور و .... کاسه داغتر از آتش شده اند. آنها هر روزه بیشتر به آغوش همزاد ولایت فقیهی خود نزدیک می شوند. آنها خط باطلی بر رادیکالیسم نهفته در اعتراضات خیابانی می کشند و به بخشی از حاکمیت سرکوب و نیروهای مسلح آن انتقاد می کنند که چرا (اغتشاش گران) را به خاک و خون نمی کشند. هر چند تا امروز معترضان در صحن خیابان به خاک و خون کشیده شده اند و دهها کشته و صدها مجروح و بیش از هزار بازداشتی نتیجه اعمال خشونت رژیم و نیروهای تا بندان مسلح آن بوده است اما رهبران اصلاح طلبان خواستار تشدید آن هستند. این طیف و تحلیل گران در برابر این سوال که معترضان در خیابان ها چه می گویند و کیستند؟ پاسخ می دهند که نمی دانیم آنها که هستند!

بدین معنی که از ما (اصلاح طلبان) نیستند، مشکوک هستند، عوامل بیگانه! هستند و در ادامه آنها را اغتشاشگر، خرابکار، برانداز می نامند حال آن که چندی قبل حضور بخشی از آنها را در صفوف انتخابات ریاست جمهوری که به موفقیت حسن روحانی انجامید ناشی از محبوبیت و مشروعیت خود می دانستند. چنانچه این جنبش را جنبش گرسنگان و تحریمی های انتخابات رژیم بنامیم اما بخشی از همین معترضان از رأی دهندگان به حسن روحانی بودند که عملکرد

پسا انتخاباتی دولت او و به ویژه علنی شدن بودجه و تقسیماتش، آب پاکی روی دست آنها ریخت و خشم آنان را برانگیخت و امروز می بینیم که این طیف به دنبال پس گرفتن رأی خود نیست بلکه راندن کل حاکمیت است. این نکته برای آنها که به آزادی و برابری و دمکراسی باور داشته اند روشن بود که این طیف به اصل نظام معتقد است و اگر ساختار شکنی ورد زبان مردم کشورمان شود در دفاع از نظام و جمهوری اسلامی از روحانیت حاکم گوی سبقت را خواهد ربود همانطور که در دهه شصت نسلی را به خاک و خون کشیدند و در کشتار، بازداشت، بازجوئی، شکنجه و سرکوب آن نسل دست بالا را داشتند. اما امروز و با بالا گرفتن اعتراضات خیابانی رادیکال پرده ها دریده و شمشیر را از رو می بندند. دکان عوامفریبی اصلاح طلبان و دنباله های خارج کشوری آنها با نوارهای سبز شان امروزه بسته شده است و آب در لانه مورچه هاست. این تجربه تاریخی از عصیان و خروش مردم سراسر کشورمان آب پاکی بر همه متوهمان ریخت که هنوز نیز تصور می کردند تفاوتی جناحی در حاکمیت به اصطلاح دوگانه جمهوری اسلامی موجود است.

عباس عبدی که تا کنون پشت نقاب اصلاح طلبی نیات شوم خود را پنهان می کرد، وظیفه توجیه و تئوریزه کردن کشتار مردم بی دفاع و عاصی در خیابان ها را به عهده می گیرد و در گفتگویی با روزنامه های حکومتی ضمن اغتشاشگر نامیدن معترضان خواستار باز تولید جنایات رژیم همانند سال ۱۳۶۰ می شود همان جنایاتی که نهادهائی از جنس حکومتی با نام دانشجویان اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، انجمن های اسلامی ادارات و کارخانه ها و نهادهای آموزشی و... وظیفه لو دادن، بازداشت و شکنجه و در مقیاسی بالا بازجوئی و کارکرد قضائی ضد انسانی رژیم را به عهده داشتند.

عباس عبدی کشتار خیابانی و خانه به خانه جوانان آزادیخواه همانند سال شصت را طلب می کند. به حکومت و دستگاه سرکوب مسلح آن گرا می دهد که: بشنابید و چرا ساکت نشسته اید؟ سرکوب را آغاز کنید! حال آن که سرکوب و کشتار پابرهنگان در خیابانها قبلاً شروع شده و طبق آمار رسمی نظام نزدیک به سی شهید و بیش از هزار نفر بازداشت شده اند. بر طبق گزارشی نیز سفارش ۱۲۰۰ چشمبند پارچه ای به تولیدکنندگان در کارگاه اوین داده شده است. برای زندانیان سیاسی سابق و خانواده هایشان مورد مصرف این چشمبند ها روشن و واضح است.

اما یک چیز مسلم است. اصلاح طلبانی همانند خاتمی که امروزه عکسشان با رغبت در روزنامه های حکومتی چاپ می شود، آخرین مهره های نظام برای حفظ خود هستند و شورش و قیامی که در جریان است، بغضی است نهفته قریب چهل سال که اکنون ترکیده است. آتشی زیر خاکستر بود که اکنون زبانه کشیده است. آنچه امروز این جنبش نیازمند آنست. همبستگی عمومی، تداوم اعتراضات خیابانی و پافشاری به حق تجمع و تظاهرات علنی، جلب توجه بین المللی و پای گذاشتن در فازی نوین است که همانا فلج کردن مکانیسم ها و کارکرد حکومتی است. تدارک اعتصابات سراسری که می تواند این آغاز را پایانی موفقیت آمیز دهد و سرانجامی باشد برای یک دوره تاریخی سیاه که زخمهایی عمیق بر پیکر مردم کشورمان به جای گذاشته است.

بهروز سورن

۲۰۱۸/۰۱/۰۳